کیفیت صحیح ادای

نماز جنازه

و

چگونگی غسل میت ، دفن میت ، بدعات جنازه
چگونگی تعزیه داری وبدعت های تعزیه داری

نویسنده: ابوشاکرمسلم



شناخت کتاب:

نام کتاب :: **چطور نماز جنازه ادا نماییم؟**

موضوع :: **کیفیت صحیح ادای نماز جنازه**

نویسنده :: **ابوشاکرمسلم**

نوبت انتشار :: **اول**

سال انتشار :: **۱۳۹۸**

عن عمر بن الخطاب رضی الله عنه **قال: قال رسول الله ﷺ : إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله فهجرته إلى الله ورسوله ومن كانت هجرته إلى دنيا يصيبها أو امرأة يتزوجها فهجرته إلى ما هاجر إليه .[جامع الاحاديث الصحيح].**

فهرست مطالب صفحه

چرا مرگ ! :

هدف مرگ وحیات آزمایش انسان است. الله سبحانه وتعالی میفرماید:{ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (٢)}سوره ملک.

(بربرکت وزوال ناپذیر است کسیکه حکومت جهان هستی بدست او است و بر همه چیز قادر است همان کسی که مرگ وزندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام تان نیکوکار ترید و او شکست ناپذیر و بخشنده است).

زندگی انسان در دنیاء محدود است وهر حیاتی به مرگ همراه خواهد شد درین جا نخستین سوالی که پیش می آید اینست که هدف از این حیات ومرگ چیست؟ قرآن مجید درآیه شریف نخست آفرینش مرگ وحیات را به عنوان نشانه ای از قدرت بی پایانش معرفی میکند ، سپس میفرماید: هدف از این آفرینش ، آزمایش حسن عمل است. آزمایشی که به معنی پرورش انسان ها وهدایت آنها به سوی مسیر قرب پروردگار است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«اثنتان يكرههما ابن آدم: يكره الموت والموت خير للمؤمن من الفتنة ؛ ويكره قلة الموت وقلة المال أقل للحساب».(رواه احمد وجامع الاحادیث الصحیح).

یعنی:«دو چیز را بنی آدم بد میبرد که (یکی از آن) مرگ‌است (حال آنکه مرگ بهتر است از زنده بود در فتنه ها) ، و بنی آدم از کم واندک داشتن مال بد میبرد (حال آنکه اندک بودن مال قلت درحساب است).
مرگ تنبیه است تا اعمال یکه در دنیاء انجام دادیم بدانیم که چگونه آنرا انجام دادیم وبرای چه؟ وبرای چه کسی؟. الله میفرماید:{ يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ }سوره قیامت ۳۱.
(درآن روز انسان را از آنچه پیش یا پس فرستاده است خبر داده میشود).
هدف مرگ سزای گناهان انجام شده است: حبیب الفارسی می گوید:بدرستی خوشبختي و سعادت يك شخص این است که بهمراهِ مرگ او گناهانش مرده باشند (یعني گناهانش بخشیده شوند) [حلية الأوليا (٦/١٥٢)]
اهل بهشت درباره‌ی خاطرات خوششان در دنیا با هم صحبت می‌کنند. یکی از این خاطرات خوش آنان دعا است: ﴿إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾
(ما از دیرباز او را به دعا می‌خوانیدم که او همان نیکوکار مهربان است).
لحظات زیبای دعا برای همیشه در یاد اهل بهشت باقی مانده آنقدر که لذت‌های بهشت هم باعث فراموشی‌اش نشده!
﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾
پس چون [از حق] منحرف شدند، الله دلهایشان را منحرف ساخت
تا می‌توانی از گناهان دوری کن، چراکه مجازاتِ گناه، ارتکابِ گناه بعدی است!

عمر بن فاروق رضی الله عنه فرمود :مرگ برای نصیحت کردن کافیست.

ابن جوزي –رحمه الله– می گویند :چقدر نادان و احمق است ؛ کسی که نمی داند چه وقت مرگ به سراغش می آید ، و با این حال برای ملاقات و رو به رو شدن با آن کسب آمادگی نمی کند .

حسن بصری می گوید:آن که بداند...مرگ در کمین اش است ، و قیامت موعدگاهش است و این که فردا باید جلوی الله بیایستد پس شایسته است که حزن و اندوهش در دنیا زیاد باشد.



چگونگی روش غسل دادن میت وکفن آن:

هنگام غسل، باید میت را در مکانی مخفی و بدور از دید مردم بگذارند و در آن محل نباید جز کسانی که مسئولیت غسل را به عهده دارند حضور داشته باشند. پس از آن، لباسهای میت را درآورده و پارچه‌ای بر عورتش بگذارند، تا هیچ کس حتی غسل دهنده هم آن را نبیند، آنگاه غسل دهنده دستی بر شکم میت می کشد، اگر چیزی از شکمش بیرون بیاید آن را تمییز کند، سپس همچون وضوی نماز وضویش دهند، مگر این که آب در دهان و بینی‌اش نکنند، بلکه تکه پارچه‌ای را خیس نموده و آن را به دندان‌ها و داخل بینی‌اش بمالند. پس از آن سرش را شستشو دهند و سپس سایر جسدش را.

شستن را از طرف راست بدن شروع بکنند. بهتر است در آب، سدر بریزند؛ چون سدر، نظافت را بهتر انجام می‌دهد. موی سر و صورتش را با عصاره‌ی سدر بشویند. همچنین مناسب است که در مرتبه‌ی پایانی او را با آب و کافور، غسل دهند. زیرا رسول الله صَلَّی اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ به زنانی که دخترش را غسل می‌دادند امر فرمود: «إجْعَلْنَ فِی الْغَسْلَةِ ٱلأخيرَةِ كَافُورًا، أَوْ شَيْئًا مِنْ كَافُورٍ» بخاری (۱۲۵۳،۱۲۵٤،۱۲۵۸،۱۲٦۳) مسلم (۹۳۹)

«در مرتبه‌ی پایانی غسل او را با کافور یا با مقداری کافور بشویید».

پس از غسل بدنش را خشک نموده و در کفن‌ها بگذارند.

غسل دادن میت فرض کفایه است. اگر کسی این وظیفه را به عهده بگیرد، از گردن دیگران ساقط می‌شود. بنابراین کسی که اقدام به آن می کند فرض کفایه‌ای را انجام داده و مستحق اجر و ثواب فرض است.

شایسته است غسل میت را کسی به عهده بگیرد که چگونگی غسل شرعی را بداند. لازم نیست که حتماً برای این کار طلبه‌ها اقدام کنند چون آنها به شغل مهم‌تر و واجب‌تری مشغولند. کسان دیگری وجود دارند که از طرف مقامات مسئول و ذی‌ربط بر این کار گمارده شده‌اند، لیکن به این افراد باید روش غسل کردن و کفن کردن را تفهیم نمود تا بر کارشان آگاه و آشنا بشوند.

شیخ ابن باز می گوید: هرگاه مرگ مسلمانی قطعی شد، جایز است که اطرافیان او پلک‌های چشمانش را ببندند و فک‌هایش را بسته و جسدش را بپوشانند و در غسل، کفن و دفن او عجله کنند .

ابتدا طبق دستور شریعت اسلامی غسلش بدهند: بدین صورت که ابتدا دست‌هایش را شسته و دستی بر شکمش بکشند و جسدش را از آلودگی‌ها پاک نمایند. سپس همچون وضوی نماز، وضویش بدهند، آنگاه سر و موی صورتش را با آب و سدر و با موادی چون صابون یا گیاه اُشنان بشویند. پس از آن بر جانب راست و سپس بر جانب چپش آب بریزند، در مرتبه‌ی دوم و سوم نیز به همین شکل غسلش بدهند. اگر لازم شد تا پنج یا هفت بار این کار را تکرار بکنند و در آخرین غسل اگر ممکن باشد او را با آب و کافور بشویند، و زیر بغل‌ها و بر ران‌ها و بر اعضای سجده، مواد خوشبو بزنند و اگر همه‌ی بدن را خوشبو و معطر نمایند بهتر و افضل است و اگر چنانچه به یک بار غسل دادن بسنده کردند جایز است .

موهای سر زن به سه دسته بافته شود و در پشت سر او قرار داده می‌شوند. میت پس از غسل در سه پارچه‌ی سفید ولی نه به صورت پیراهن و عمامه، کفن کرده می‌شود و در آن پارچه پیچانده می‌شود .

جایز است که در سه پارچه به نام‌های پیراهن، ازار و لفافه و یا تنها در یک لفافه کفن شود. زن در پنج پارچه به نام‌های پیراهن، مقنعه، ازار و دو لفافه کفن کرده می‌شود. و اگر در یک لفافه کفن شود نیز جایز است .



حکم خواندن نماز جنازه در مسجد:

نماز جنازه درصورت ضرورت هم درمسجد درست است وهم در خارج از مسجد به جز بالای قبور.

أَنَّ عَائِشَةَ رضي الله عنها أَمَرَتْ أَنْ يَمُرَّ بِجَنَازَةِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ فِي الْمَسْجِدِ ، فَتُصَلِّيَ عَلَيْهِ فَأَنْكَرَ النَّاسُ ذَلِكَ عَلَيْهَا ، فَقَالَتْ : مَا أَسْرَعَ مَا نَسِيَ النَّاسُ ! مَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى سُهَيْلِ بْنِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ. صحيح مسلم(۹۷۳) وجامع الاحاديث الصحيح

عایشه رضی الله عنها امر کرد که جنازه سعد بن ابی وقاص در مسجد برده شود، مردم این قول وی را خطا پنداشتند، عایشه رضی الله عنها فرمود : چقدر زود مردم فراموش میکنند! رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای سهیل جنازه نخواندند مگر در مسجد.

اما یک حدیث می آید که: «من صلی علی میّت فی المسجدِ فلا شیء له» این حدیث را ابوداود و ابن ماجه در باب جنائز روایت نموده‌اند، و در سلسله سند آن صالح مولی التوأمه می‌باشند. و در آخر عمرش از نظر حفظ و اتقان تغییر کرده

است، و لذا نووی در شرح مسلم گفته است که درباره این حدیث جوابهای داده‌اند:

۱- این حدیث ضعیف است، و استدلال به آن صحیح نیست، امام احمد گفته است: این حدیث ضعیف است، و صالح مالی التوأمه به تنهایی آن را روایت کرده است و او (از نظر حفظ و اتقان) ضعیف است.

۲- آنچه در نسخه‌های مشهور و تحقیق شده از سنن ابی داود یافت می‌شود «من صلی علی جنازة فی المسجد فلا شیء علیه» می‌باشد. هرکس در مسجد بر جناه نماز بخواند هیچ (گناهی) بر او نیست.

۳- اگر حدیث مذکور ثابت هم نبود می‌بایست آنرا بر «فلا شیء علیه» تأویل نمود تا میان دو روایت و بین آن و حدیث سهیل بن بیضاء، جمع حاصل گردد، و حدیث سهیل همان است که مسلم و اهل سنن آنرا از عائشه ل روایت کرده‌اند و وقتیکه سعد بن وقاص وفات یافت عائشه گفت (او را به مسجد ببرید تا بر او نماز بخوانم) مثل اینکه آنان انکار نمودند و عائشه گفت (به الله سوگند پیامبر صلی الله علیه وسلم [در مسجد] بر دو پسر بیضاء «سهیل و برادرش» نماز خوانده است)(روایت مسلم).

و در روایتی عائشه گفته است: (چه زود مردم فراموش نمودند که پیامبر صلی الله علیه وسلم به پسران (دو پسر) بیضاء نماز نخواند مگر در مسجد».

از ابن عمر نقل شده است، در مسجد بر عمر بن خطاب س نماز خوانده شد (روایت مالک) ، و این کار همان است که عمل مسلمانان نیز بر آنست، چون حمل آن به مقابر قبل از ادای نماز بر او مشقت و زحمت است، و چنین نیست که هر کسی بر او نماز خواند در تشییع جنازه شرکت کند، و به سبب فضیلت مسجد بر سایر اماکن تعداد زیادی نمازگزار در آن جمع می‌شوند.



اوقاتی که خواندن نماز جنازه ممنوع است:

در حدیثی از عقبه رضی الله عنه آمده است که عقبه گفته است: در سه وقت پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را از نماز خواندن و از دفن مرده‌هایمان در آن اوقات نهی می‌نمود.

هنگام طلوع خورشید، تا اینکه به ارتفاع یک نیزه برسد، هنگام غروب و وقتی که خورشید در وسط آسمان است و مستقیماً می‌تابد (وقت ظهر)(روایت مسلم).

و این اوقات کوتاه می‌باشند چه بسا گاهی هم بیش از یک ربع ساعت هم نباشد، این وقتها دفن در آنها جائز نیست بلکه باید منتظر ماند تا به پایان برسد.



تعداد صف نمازگزاران نماز جنازه :

در این مورد حدیث مالک بن هبیره است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است (هیچ مسلمانی نیست بمیرد و سه صف از مسلمانان بر او نماز بخوانند

مگر اینکه بهشت بر او واجب می‌شود (در روایتی) بخشوده می گردد) (ابوداود و ترمذی).

و امام مالک رحمه الله هرگاه تعداد نمازگزاران اندک می‌بود آنها را به سه صف تقسیم می کرد، و لکن اگر تعداد کم بودند در هر صف نباید کمتر از دو نفر پشت امام باشند.

اما اینکه صف بالاتر از سه صف شد نباید مردم را مزاحم شد که صف ها را طاق کنید واینچنان یا آنچنان.



هرگاه یکی از اقارب وفات کرد چه گفته شود؟:

هرگاه یکی از دوستان واقاربت فوت کرد ویا برایت مشکلی پیش شد بگو: اللهم أجرنی فی مصیبتی و أخلف لی خیرا منها.

یعنی: الهی! مرا در این مصیبت مأجور بگردان و بهتر از آنرا برایم جایگزین بفرما.

ام سلمه روایت می کند: از پیامبر الله شنیدم که می‌فرمود: هر مسلمانی هنگام گرفتار شدن به مصیبتی چیزی را بگوید که الله به آن امر کرده است: (إنا لله و إنا الیه راجعون اللهم أجرنی فی مصیبتی و اخلف لی خیرا منها)(الله چیزی بهتر از آن را برای او جایگزین می کند، (ام سلمه) گفت: هنگامی که ابوسلمه فوت کرد، گفتم کدام یک از مسلمانان از ابوسلمه بهتر هستند، خانواده او اولین خانواده‌ای بود که به سوی پیامبر صلی الله علیه وسلم هجرت کرد؟ سپس گفتم :اللهم أجرنی

فی مصیبتی و اخلف لی خیرا منها، و الله پیامبر صلی الله علیه وسلم را به جای ابوسلمه به من داد..



زمانیکه میشنویم شخص مسلمان وفــات نمــوده اســت بگوییم؟:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِفُلاَنٍ (بِاسْمِهِ) وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ، وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ، وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ، وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ)

ای الله! فلان را ببخشای (نامش را بزبان آورد)، و درجه‌ی او را در میان هدایت یافتگان، رفیع بگردان، و فرزندانش را در میان بازماندگان، سرپرستی کن، و ما و او را ببخشای، ای پروردگار جهانیان، یا الله !قبرش را وسیع و منوّر بگردان.مسلم، ۲ /٦٣٤، برقم ٩٢٠.

حکم اشتراک مردان درنماز جنازه:

از این بگذریم که جنازه فرض است یا سنت! ، جنازه درحقیقت حق برادر مسلمان ما برما است که باید درآن اشتراک نماییم صرف نظر از اینکه درآن یک قیراط یا دو قیراط اجر است. از ابوهریره روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: (۱) جواب سلام؛ (۲) عیادت مریض؛ (۳) تشییع جنازه؛ (۴) قبول دعوت او؛ (۵) دعای خیر در هنگام عطسه کردن»متفق علیه وجامع الاحادیث الصحیح.

اشتراک مردان درجنازه مهم است رسول الله صلى الله عليه وسلم وصحابه کرام در جنازه ای مسلمان اشتراک مینمودند وبر آن شخص مسلمان از الله طلب رحمت میکردند وپیامبراسلام مؤمنان را تشویق به اشتراک نمودن درجنازه مسلمان نموده است .

وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " من اتبع جنازة مسلم إيمانا واحتسابا وكان معه حتى يصلي عليها ويفرغ من دفنها فإنه يرجع من الأجر بقيراطين كل قيراط مثل أحد ومن صلى عليها ثم رجع قبل أن تدفن فإنه يرجع بقيراط "(متفق عليه).

ابوهریره می گوید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کسیکه اشتراک نماید در جنازه ای شخص مسلمان به ایمان واخلاص ، که نماز بخواند بالای آن واز دفن آن فارغ شود ، پس صاحب اجر دوقیراط شده است که (هرقیراط) مانند کوه احد است ، واگر کسی نماز جنازه را بخواند ولیکن در دفن آن اشتراک نکند! پس رجوع میکند درحالیکه یک قیراط ثواب را کمایی کرده است.



حکم اشتراک زنان درنماز جنازه:

نماز جنازه فرض کفایه است که هرگاه عده‌ای از مسلمانان آن را انجام دهند از بقیه ساقط می‌شود. هرگاه همگان دیده و دانسته آن را ترک دهند جملگی گناهکار

می‌شوند. شرکت در نماز جنازه مخصوص مردان است ورسول الله صلی الله علیه وسلم اشتراک زنان را در جنازه منع نموده است.

ام‌عطیه رضی‌اللهعنها میفرمای: «نُهِيْنَا عَنْ إتّبَاعِ الجَنَائز، و لَمْ يُعْزَمْ علينا» .

«از همراهيِ جنازه‌ها منع شديم، اما اين حكم بر ما الزامی نبود» بخاری (۱۲۷۸) و مسلم (۹۳۸)

در روايت ديگری آمده است: «نَهَانَا رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ...»

« رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ ما را منع فرمود...» سنن ابوداود (۱۱۳۹).



چرا به جنازه ها اشتراک میکنیم؟:

حکمت اول اینست که: انسان به مرگ آمادگی بگیرد بداند که جوان وپیر ، پول دار وغریب همه میمیرند اعمش رحمه الله می گوید: ما آماده ی تشیع جنازه ای می شدیم ، نمی دانستیم چی کسی از اقوام مرده است ، بخاطری زیادی کسانی که گریه می کردند، اما گریه یشان بخاطر خودشان و از ترس گناهانشان بود ، نه بخاطر مرده.[العاقبة في ذكر الموت والآخرة۱۵۴].

ثانیا جهت کسب ثواب: چنانکه درحدیث آمده است که هرکس درجنازه ای مسلمان به ایمان واخلاص تا اخیر دفن میت حضور یابد ؛ هنگام برگشت دو قیراط ثواب اجر میبرد.

وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " من اتبع جنازة مسلم إيمانا واحتسابا وكان معه حتى يصلي عليها ويفرغ من دفنها فإنه يرجع من الأجر بقيراطين كل قيراط مثل أحد ومن صلى عليها ثم رجع قبل أن تدفن فإنه يرجع بقيراط "(متفق عليه).



نماز میت تأخیر کرده نشود:

عده ای نماز میت را تأخیر میکند که گویا فلان قوم نیامده وفلان فرد نیامده! این عمل برخلاف امر رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ است؛ در آنجا که فرموده است: «أَسْرِعُوا بِالْجِنَازَةِ، فَإِنْ تَكُ صَالِحَةً فَخَيْرٌ تُقَدِّمُونَهَا إليه، وَإِنْ يَكُ سِوَى ذَلِكَ، فَشَرٌّ تَضَعُونَهُ عَنْ رِقَابِكُمْ» بخاری (۱۳۱۵) و مسلم (۹٤٤).

«جنازه‌ی میت را به سرعت ببرید، چون اگر انسانی صالح باشد، او را به سوی خیر می‌برید (و بهتر است هر چه زودتر به آن برسد) و اگر غیر از این باشد، این شری است که بهتر است آن را زودتر از دوش خود بردارید».

شیخ ابن عثیمین در فتاوای در احکام جنایز صفحه (۷٦، ۷۷) مینویسد: تأخیر دفن میت صالح و نگه داشتن او در خانه نوعی جنایت بر میت است، چون میت صالح هرگاه از خانه بیرون برده می‌شود، روح او می گوید: «قَدِّمُوْنی قَدِّمُوْنی»«مرا زودتر ببرید، مرا زودتر ببرید». بخاری (۱۳۱٤، ۱۳۱٦، ۱۳۸۰).

حکمت از تعجیل در دفن میت این است که انسان نیک و صالح به هنگام احتضار به بهشت مژده داده می‌شود. اینجاست که برای بهشت شوق‌زده شده و می‌خواهد زودتر به آنجا برسد و از انعامات الله تعالی بهره‌مند شود، چون در قبر هنگامی که فرشته‌ها از او در مورد رب، دین و پیامبرش سؤال می‌کنند و جواب صحیح می‌دهد برایش دری به سوی بهشت باز کرده می‌شود و از این طریق لطافت و خوشی‌های بهشت به او می‌رسد.

قبر تا حدی که چشم انسان کار می‌کند فراخ و وسیع کرده می‌شود. برخی از علما گفته‌اند: که شتاب و تجهیز میت سنت است و تأخیر آن مناسب نیست.



امام درنماز جنازه کجا ایستاده شود؟: شیخ ابن عثیمین در فتاوای در احکام جنائز صفحه (۱۰۲) مینویسد: اگر میت مرد باشد، امام در ازای سر او بایستد و اگر زن باشد در وسط جنازه قرار بگیرد خواه بزرگ سال باشد و خواه خردسال. بنابراین، اگر میت پسر بچه‌ای باشد امام کنار سر او بایستد و اگر دختر بچه‌ای باشد در مقابل وسط او بایستد.



درصورت متعدد بودن مرده ها ، چند جنازه بـالای آنهـا خوانده شود؟

شیخ ابن عثیمین در احکام جنائز صفحه (۱۰۲) مینویسد: جنازه‌ها اگر متعدد باشد بر همه‌ی آنها یک نماز خوانده می‌شود و مردان بر زنان مقدم کرده می‌شوند و پسر بچه‌ی نابالغ بر زن بالغه جلوتر گذاشته می‌شود، بنابراین اگر اموات متشکل از مرد بالغ، پسر بچه‌ی نابالغ، زن بالغ و دختر بچه‌ی نابالغ باشند، ترتیب گذاشتن آنها در جلوی امام به شکل ذیل خواهد بود: اول مرد بالغ، سپس پسر بچه‌ی نابالغ، آنگاه زن بالغه و پس از آن دختر بچه‌ی نابالغه. و جنازه‌ی زن را طوری بگذارند که میانه‌ی او در مقابل سر مرد قرار بگیرد.

اگر اموات از یک جنس باشند آنگاه آنها را به ترتیب علم و دانش در جلوی امام می‌گذاریم؛ چون رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ در مورد شهدای احد که در یک قبر دفن کرده شدند، پرسید کدام یک از آنها قرآن را بیشتر بلد بود و اول او را در لحد می‌گذاشت و این دلالت می‌کند که شخص عالم‌تر بایستی به امام نزدیکتر شود. بخاری (۱۳٤۳، ۱۳٤۷، ۱۳٤۸، ۱۳٥۳، ٤۰۷۹).



تعداد تکبیرات جنازه(کیفیت نماز جنازه):

شیخ محمد صالح المنجد در فتاوی شبكة الاسلامية ، شیخ محمد صالح العثيمين در فتاوی نور على الدرب اجماع علمای امت را ذکر نموده اند که نماز خواندن بر

جنازه مسلمان فرض کفایه است، و در مورد تکبیرات نماز جنازه، هر چند چهار یا پنج الی نُه تکبیر از پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد شده است (باید بدانیم اگر جایی که چهار تکبیر گفته میشود ویا نه نه تکبیر! بدانیم که آن نیز درست است ودرآن نصوص صحیح موجوداست) ولی در اینجا فقط مسائل مربوط به چهار تکبیر بصورت زیر با بیان میکنیم:

۱- نماز میت فقط قیام دارد و رکوع و سجده و سایر ارکان نماز خوانده نمیشود.

۲- در نماز میت چهار یا پنج الی نُه تکبیر گفته می‌شود وهمه ای تکبیرات دراحادیث صحیح وارد شده است.

۳- پس از تکبیر اول، فقط سوره فاتحه، و یا همراه سوره ای دیگر بصورت سرّی (نه جهری) خوانده میشود.

٤- پس از تکبیر دوم، بر پیامبر صلی الله علیه و سلم صلوات فرستاده شود ، همانطور که در نمازهای معمولی در تشهد خوانده میشود، یعنی: "اللهم صل علی محمد و علی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی ال ابراهیم ..." تا آخر تشهد.

٥- پس از تکبیر سوم، برای میت دعاء میشود.

٦- پس از تکبیر چهارم، برای عموم مسلمین دعاء میشود.

۷- پس از اتمام نماز، ایستاده یک سلام به طرف راست، و یا اینکه دو سلام مانند سلام نمازهای معمولی داده میشود.

انجام این هفت مورد سبب کامل شدن نماز جنازه میگردد بر دلائل ذیل:

دلیل چهار تکبیر:

در نماز میت چهار یا پنج الی نُه تکبیر گفته می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و سلم هر بار به یکی از اینها عمل می‌کرد. دلیل چهار تکبیر حدیث ابوهریره است : "أن رسول الله صلی الله علیه و سلم نعی النجاشی فی الیوم الذی مات فیه فخرج إلی المصلی فصف بهم و کبر أربعا" (متفق علیه)، یعنی: «روزی که نجاشی فوت کرد، پیامبر صلی الله علیه و سلم خبر مرگ او را به مردم اعلام کرد و به طرف مصلی خارج شد و مردم را صف کرد و چهار تکبیر گفت».

دلیل پنج تکبیر: حدیث عبدالرحمن بن ابی لیلی است : "کان زید بن أرقم یکبر علی جنائزنا أربعا، و إنه کبر علی جنازة خمسا، فسألته، فقال : کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یکبرها" (روایت مسلم ۲/۶۵۹/۹۵۷، یعنی: «زید بن أرقم بر جنازه‌های ما چهار تکبیر می‌گفت، و بر جنازه‌ای پنج تکبیر گفت، از او (علت را) پرسیدم، گفت پیامبر صلی الله علیه و سلم پنج تکبیر می‌گفت».

دلیل شش و هفت تکبیر: بعضی آثار موقوف آمده است که در حکم مرفوع‌اند، چون بعضی از بزرگان صحابه آن را در حضور دیگر صحابه انجام داده‌اند بدون اینکه کسی به آنها اعتراض کند:

از عبدالله بن معقل روایت است : "أن علی بن أبی طالب صلی علی سهل بن حنیف، فکبر علیه ستا، ثم التفت إلینا فقال : إنه بدری" (صحیح – روایت حاکم

٤٠٩/ و بیهقی ٤/٣٦)، یعنی: «علی بن ابی طالب بر سهل بن حنیف نماز خواند و شش تکبیر گفت، سپس رو به ما کرد و گفت او بدری است».

از موسی بن عبدالله بن یزید روایت است : "أن علیا صلی علی أبی قتادة فکبر علیه سبعا، و کان بدریا" (صحیح – روایت بیهقی ٤/٣٦)، یعنی: «علی بر ابوقتاده نماز خواند و هفت تکبیر گفت، ابوقتاده بدری بود».

از عبد خیر روایت است : "کان علی رضی الله عنه یکبر علی أهل بدر ستا، و علی أصحاب النبی صلی الله علیه و سلم خمساً، و علی سائر الناس أربعا" (روایت دارقطنی ٢/٧٣/٧ و بیهقی ٤/٣٧)، یعنی «علی رضی الله عنه بر اهل بدر شش تکبیر و بر (دیگر) اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم پنج تکبیر و بر سایر مردم چهار تکبیر می‌گفت».

دلیل نــه تکبیــر: حدیثی است که عبدالله بن زبیر روایت کرده که : "أن النبی صلی الله علیه و سلم صلی علی حمزة فکبر علیه تسع تکبیرات...) (صحیح – الجنائز البانی ص ٤٩)، یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم بر حمزه نماز خواند و نه تکبیر گفت».

خلاصه: چهار تکبیر ، شش تکبیر ، هفت تکبیر ونه تکبیر همه اینهادرست است اگر درجامعه هریکی از اینها اداء شود اختلاف نباید کرد چون دلائل درهمه موارد آمده است.

نیت نماز جنــازه: همین که از قریه به قریه ای دیگر میروی ، از جایی به جایی دیگری میروی وهمه ای مردم در یکجا جمع میشوند این نیت است ، وتلفظ نیت به زبان بدعت است ودراسلام جای ندارد مانند اینکه بگویی: نیت کردم چهار تکبیر جنازه پشت امام حاضر باجمله تکبیراتش... چنین نیتی از رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه ای کرام وحتی امام ابوحنیفه رحمه الله ثابت نیست. همین که در جنازه اشتراک نمودی نیت است وضرورت به نیت زبان نیست.

بلند کردن دستها در تکبیراول: برای نمازگزار مشروع است که دستهایش را فقط در تکبیر اول بلند کند. از عبدالله بن عباس روایت است : "أن رسول الله صلی الله علیه و سلم کان یرفع یدیه علی الجنازة فی أول تکبیرة ثم لایعود" (کتاب الجنائز البانی ص ۱۱٦)، یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم در تکبیر اول نماز میت دو دستش را بلند می‌کرد و (در تکبیرات بعدی) این کار را نمی‌کرد».

سپس بعد از تکبیر اول، سوره فاتحه و سوره‌ای دیگر می‌خواند. از طلحه بن عبدالله بن عوف روایت است : "صلیت خلف ابن عباسt علی الجنازة، فقرأ بفاتحة الکتاب و سورة، و جهر حتی أسمعنا، فلما فرغ أخذت بیده فسألته؟ فقال : إنما جهرت لتعلموا أنها سنة و حق" (روایت نسائی ٤/٧٥)، یعنی: «پشت سر ابن عباس رضی الله عنه نماز جنازه خواندم، سوره فاتحه و سوره‌ای دیگر را با صدای بلند خواند تا ما آن را بشنویم، وقتی نماز تمام شد، دستش را گرفتم و (در این باره)

از او سؤال کردم، گفت به این خاطر با صدای بلند خواندم که بدانید این سنت و حق است».

بدعت مشهور: هنگام تکبیرات بلند نمودن سر به سوی آسمان بدعت است ودر شرع جای ندارد در صحیح مسلم در باب(النهي عن رفع البصر إلى السماء في الصلاة)یعنی: منع بودن بلند کردن چشمان طرف آسمان در نماز ، حدیثی را روایت میکند که:عن جابر بن سمرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم * لينتهين أقوام يرفعون أبصارهم إلى السماء في الصلاة أو لا ترجع إليهم[صحيح مسلم].

یعنی: آیا منع نمیشوند اقوامی که بلند میکنند چشمان خویش را طرف آسمان یا اینکه چشمانشان دوباره برای ایشان رجوع نکند.

نماز جنازه سری است: نماز میت به صورت سری خوانده می‌شود؛ به دلیل حدیث ابو أمامه بن سهل که گفت : "السنة فى الصلاة على الجنازة أن يقرأ فى التكبيرة الأولى بأم القرآن مخافتة، ثم يكبر ثلاثا، و التسليم عند الآخرة" (روایت نسائی ٤/٧٥) یعنی: «سنت در نماز میت این است که بعد از تکبیر اول سوره فاتحه به صورت سری خوانده شود، سپس سه بار تکبیر گفته شود و سلام باید بعد از آخرین تکبیر باشد».

تکبیردوم: سپس تکبیر دوم را بگوید و بر پیامبر صلی الله علیه و سلم صلوات بفرستد، به دلیل حدیث أبو أمامه که قبلاً بیان شد و گفت: مردی از اصحاب

پیامبر صلی الله علیه و سلم به من خبر داد که : "أن السنة فی الصلاة علی الجنازة أن یکبر الإمام، ثم یقرأ بفاتحة الکتاب بعد التکبیرة الأولی سرا فی نفسه، ثم یصلی علی النبی صلی الله علیه و سلم و یخلص الدعاء للجنازة فی التکبرات الثلاث، لایقرأ فی شی منهن، ثم یسلم سرا فی نفسه" (صحیح – روایت بیهقی ٤/٣٩)، یعنی: «سنت در نماز میت این است که امام تکبیر بگوید، سپس بعد از تکبیر اول، سوره فاتحه را به صورت سری بخواند، سپس در سه تکبیر باقی مانده بر پیامبر صلی الله علیه و سلم صلوات بفرستد و خالصانه برای میت دعا کند، و در هیچ کدام از آنها قرآن نخواند، سپس آهسته سلام دهد».

و بعد از تکبیر دوم: بقیه تکبیرات را بگوید و در آن خالصانه برای میت دعا کند به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم : "إذا صلیتم علی المیت فأخلصوا له الدعاء" (صحیح – روایت ابن ماجة ٦٦٩)، یعنی: «هرگاه بر میت نماز خواندید، خالصانه برای او دعا کنید».

در نماز میت باید دعاهایی خوانده شود که از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده‌اند. از جمله این دعاها دعایی است که از عوف بن مالک روایت است : پیامبر صلی الله علیه و سلم بر جنازه‌ای نماز خواند و قسمتی از دعایی را که می‌خواند حفظ کردم. او می‌فرمود : "اللهم اغفرله و ارحمه و عافه واعف عنه، و أکرم نزله، و وسع مدخله، و اغسله بالماء و الثلج و البرد و نقه من الخطایا کما ینقی الثوب الأبیض من الدنس، و أبدله دارا خیرا من داره و أهلا خیرا من أهله و

زوجا خيرا من زوجه و أدخله الجنة و أعذه من عذاب القبر و عذاب النار قال : فتمنيت أن أكون أنا ذلک الميت" (روایت مسلم ۲/۶۶۲/۹۶۳)، یعنی: «خداوندا! او را بیامرز و به او رحم کن، و او را از عذاب نجات ده، و او را مورد عفو خویش قرار بده و مکانش را در بهشت رفیع گردان و جایگاهش را (در قبر) فراخی و وسعت ده، و او را (از گناهان) با آب و برف و تگرگ بشوی و او را از خطاها پاک کن همچنانکه پارچه سفید از چرک پاک می‌شود، و برای او خانه‌ای بهتر از خانه‌اش و اهلی بهتر از اهلش و همسری بهتر از همسرش جایگزین بفرما، و او را وارد بهشت کن و او را از عذاب قبر و عذاب آتش دور بفرما، (عوف بن مالک) گفت : آروز داشتم که آن میت من می‌بودم».

زمان دعا درنماز جنازه: مشروع آن است که دعا بین تکبیر آخر و سلام باشد؛ به دلیل حدیث ابویعفور ازعبدالله بن أبی أوفی رضی الله عنه که گفت : "شهدته كبر على جنازة أربعا، ثم قام ساعة – يعني – يدعوا ثم قال : أترونی كنت أكبر خمسا؟ قالوا : لا، قال : إن رسول اللهr كان يكبر أربعا" (صحیح – روایت بیهقی ۴/۳۵)، یعنی: «او را دیدم که هنگام خواندن نماز میت چهار تکبیر گفت، سپس مدتی ایستاد و دعا کرد و گفت : آیا پنج تکبیر گفتیم؟ گفتند خیر، گفت : پیامبر صلی الله علیه و سلم چهار تکبیر می گفت».

بعد ازختم تکبیرات: سپس مانند نماز فرض دو سلام بدهد یکی به طرف راست و دیگری به طرف چپ، به دلیل حدیث عبدالله بن مسعود : "ثلاث خلال كان

رسول الله صلى الله عليه و سلم يفعلهن تركهن الناس، إحداهن التسليم على الجنازة مثل التسليم فى الصلاة" (صحيح – روايت بيهقى ٤/٤٣)، يعنى: «سه خصلت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم آنها را انجام می‌داد ولی مردم آنها را ترک کرده‌اند، یکی از آنها سلام بر جنازه است که مانند سلام نماز است».

می‌توان به سلام اول هم اکتفا کرد به دلیل حدیث ابوهریره : "أن رسول الله صلى على جنازة فكبر عليها أربعا و سلم تسليمة واحدة" (روایت حاکم ۱/۳٦۰ و بیهقی ٤/٤۳)، یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم بر میتی نماز خواند و چهار تکبیرگفت و یک سلام داد».

هشدار: بعد ازاتمام تکبیرات برای میت دعا میشود وبس. ومیت طرف قبرستان برده میشود ودفن کرده میشود وحلیه اسقاط وخرما وغیره دادن درست نیست وبدعت میباشد.وعن عثمان قال :كان النبى صلى الله عليه وسلم اذا فرغ من دفن الميت وقف عليه ، فقال: استغفروا لأخيكم ، ثم سلوا له بالتثبيت ، فإنه الآن يسأل.(رواه أبوداود).

یعنی: بود رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتیکه از دفن میت فارغ میشد بالای قبر می ایستاد ومیفرمود:«برای برادر تان طلب بخشش بخواهید واز الله برای آن ثابت قدمی بخواهید زیرا وی حالا سؤال میشود».

شیخ ابن باز می گوید: پس از کفن، مسلمانان بر مرده نماز جنازه می‌خوانند؛ بدین صورت که پس از تکبیر اول سوره‌ی فاتحه و پس از تکبیر دوم درود و پس از

تکبیر سوم دعـای میت را می‌خوانند. و اگـر دعـای مـأثور را بخوانند بهتر است، یکی از آن دعاها این است :«اللّهـمَّ اغْفِرْ لِحَیِّنَا وَمَیِّتِنَا وَ شَاهِدِنَا و غَائِبِنَا، و صَغِیْرِنَا و کَبیْرِنَا، وَذَکَرِنَا و أنْثَانا، اللّهُمَّ مَنْ أحْیَیْتَهُ مِنَّا فَأحْیِهِ عَلَی اْلإِسْلامِ، وَمَنْ تَوَفَّیْتَهُ فَتوَفَّهُ عَلَی الْإِیْمَانِ، اللّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْده، اللّهُمَّ اغْفِرلهُ و ارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عنه، وَأکْرِمْ نُزُلَهُ وَ وَسِّعْ مُدْخَلَهُ وَاغْسِلْهُ بِالْماء وَالثّلْجِ وَالْبَرَدِ وَأبْدِلْهُ دَارا خَیراً مِنْ دَارِهِ وَأهْلاً خَیْراً مِنْ أهْلِهِ، وأدْخِلْهُ الْجَنّة وَقِهِ فِتْنَةَ الْقَبْرِ وَعَذابَ النّارِ» مسلم (۹٦۳)

پروردگـارا! افراد زنـده و مـرده، حاضـر و غایـب، کوچـک و بـزرگ، مـرد و زن مـا را ببخش، پروردگارا! هر کس از ما راکه زنده نگه می‌داری با اسلام زنده نگه دار و هـر کـس از مـا راکـه می‌میرانـی بـا ایمـان بمیران. پروردگـارا! مـا را از ثـواب او محـروم مگردان و بعد از او ما را در فتنه گرفتار نکن .

پروردگارا! او را بیامرز و به او رحم کن و او را مورد عفو و بخشش خود قرار بده و جایش را در بهشت گرامی بدار و جایگـاهش را (در قبر) فراخـی و وسـعت ده، و او را (از گناهان) با آب و برف و تگرگ بشوی و او را از گناهان چنان پاک کن کـه پارچـه‌ی سـفید از چـرک پـاک می‌شـود و بـرای او خانـه‌ای بهـتر از خانـه‌اش و خانواده‌ای بهتر از خانواده‌اش جایگزین کن و او را به بهشت ببر و از عذاب قبر و جهنم نجاتش بده».

پس از دعا برای بار چهارم تکبیر گفته و با یک سلام در سمت راست به نماز پایان دهند .

بعد از آن نور افشانی، چراغانی و گفتن لاإله الاالله و دعا به آواز بلند جایز نیست .

اگر ممکن باشد قبر میت بایستی لحد شود و اگر این کار مشکل باشد آن را شق کنند، حاضرین پس از برابر کردن قبر در کنار آن بایستند و برای میت استغفار نموده و برای ثابت قدمی او در برابر پرسش‌های منکر و نکیر دعا کنند .

تکفین و تدفین میت را نباید بیش از مدت زمان تجهیز و حضور خویشاوندان و همسایه‌ها به تأخیر انداخت (البته اگر حضور خویشاوندان و همسایه‌ها به طول می‌انجامد نباید انتظار آنها را کشید)، زیرا رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ فرموده است: «أَسْرِعُوا بِالْجِنَازَةِ».

«جنازه‌ی میت را به سرعت ببرید». بخاری (۱۳۱۵) و مسلم (۹٤٤)

برگزاری مراسم عزاداری برای میت جایز نیست. کسی که به هنگام نماز جنازه در شهر حضور داشته است و به نماز جنازه نرسیده است تا دو ماه می‌تواند بر قبر میت نماز جنازه بخواند. چون رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ «بر قبر مادر سعد نماز جنازه خواند در حالی که از دفن آن یک ماه گذشته بود». ترمذی (۱۰۳۸)

دفن مسلمان در گورستان‌های نصاری و دیگر کافران از قبیل یهود، کمونیست‌ها و مشرکان و بت‌پرستان جایز نیست .



خواندن سوره فاتحه درنماز واجب میباشد:

خواندن سوره فاتحه همانگونه که در بقیه نمازها لازم وضروری بوده در نماز جنازه هم لازم وضروری میباشد و نماز بدون سوره فاتحه نماز گفته نمی شود.

دلایل به لازم بودن خواندن سوره فاتحه بسیار است از جمله چند دلیل را ذکر میکنیم، زیرا برای انسان حقجو یک دلیل کافیست و برای انسان باطل پرست صد دلیل هم نفعی نمی رساند.

دلیل اول : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : (لا صَلاَةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ) نماز کسیکه سوره فاتحه را نخواند نماز نیست.رواه البخاري (٧١٤) ومسلم.(٥٩٥)

و نماز جنازه نماز است و تحت این حدیث شریف بدون شک داخل است ، زیرا الله متعال میفرماید : : وَلا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَداً . پس معلوم گردید که الله متعال نماز جنازه را نماز گفته است.

دلیل دوم : عبدالله ابن عباس– رضی الله عنهما –احیاناً به صدای بلند میخواندند ، و زمانیکه سوال شدند درین مورد فرمودند : لِتَعْلَمُوا أَنَّهَا سُنَّةٌ . تا اینکه بدانید این روش و طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَوْفٍ میفرماید : پشت ابن عباس نماز جنازه را خودیم وی سوره فاتحه را خواند وفرمود لِيَعْلَمُوا أَنَّهَا سُنَّةٌ تا اینکه بدانند این سنت(طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم) است.

صَلَّيْتُ خَلْفَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَلَى جَنَازَةٍ، فَقَرَأَ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، قَالَ: لِيَعْلَمُوا أَنَّهَا سُنَّةٌروايت صحيح البخاري. (۱۳۳۵)

و زمانیکه صحابی چیزی را سنت بگوید مراد نقش وقدم رسول الله صلی الله علیه وسلم است واین از جمله احادیث مرفوع حکما به شمار میرود.

دلیل سوم :عَنْ أَبِي أُمَامَةَ ، أَنَّهُ قَالَ: السُّنَّةُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ أَنْ يَقْرَأَ فِي التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى بِأُمِّ الْقُرْآنِ مُخَافَتَةً، ثُمَّ يُكَبِّرَ ثَلَاثًا، وَالتَّسْلِيمُ عِنْدَ الْآخِرَةِ.

ابی أمامه رضی الله عنه فرمودند : طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم در نماز جنازه اینست که بعد از تکبیر اول سوره فاتحه را خفیه بخوانند بعدا سه تکبیر دیگر را اداء نموده و بعد از اخیر سلام دهند.سنن نسائی حدیث شماره (۱۹۸۹)ابن حجر در فتح الباری(٤/۱۱۱) سندش را تصحیح نموده.

دلیل چهارم : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : (صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي)

همان گونه که مرا میبینید نماز بخوانید.صحیح البخاري(٦۳۱)

و قبلا بیان شد که طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم خواندن سوره فاتحه در جنازه بود پس این امر وی دلالت بر وجوب سوره فاتحه دارد.

دلیل پنجم : عَنْ عَائِشَةَ ، قَالَتْ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ " : كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِأُمِّ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَاجٌ."

هر آن نمازیکه در آن سوره فاتحه خوانده نشود آن ناقص است.سنن ابن ماجه (۸٤۰)

دلیل ششم : عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ " : كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَاجٌ ، فَهِيَ خِدَاجٌ ." هر آن نمازیکه در آن سوره فاتحه خوانده نشود آن ناقص است ناقص است.سنن ابن ماجه.(۸٤۱)

درین دو حدیث لفظ" كُلُّ صَلَاةٍ "آمده که در بر گیرنده تمام نماز ها میشود.

دلیل هفتم :أَبُو هُرَيْرَةَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " : مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يَقْرَأْ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَاجٌ."

کسیکه نمازی را بخواند و در آن سوره فاتحه را نخواند آن نمازش ناقص است.صحیح مسلم.(۳۹۵) .



اهمیت دعاء بر مرده(متوفی):

ابن الجوزی رحمه الله گوید ؛ در حالت سفر در مسجدی خوابیده بودم ، دیدم جنازه‌یی آورده شد ، برخاستم و با مردم بر او نماز جنازه خواندم.

با خود گفتم در دفن او نیز شرکت می‌کنم .به قبرستان رفتم و در تدفین او نیز شرکت نمودم.
وقتی دفن شد، همه مردم رفتند و من بر سر قبر او تنها ماندم.
بر سر قبر او ایستادم و گفتم ، پروردگارا، این مهمان توست با او چه گونه معامله خواهی کرد؟
اگر این مهمان من می‌بود، هرچند نمی‌شناسمش ، او را اکرام می‌کردم. تو که اکرم الاکرمین هستی، با او چه خواهی کرد؟!
بارالها او را مورد عفو و بخشش خود قرار بده!
ابن الجوزی گفت ، پس گشتم و در همان مسجد خوابیدم. در خواب دیدم که شخصی با لباس سفید آمد و گفت: تو بودی که بر من دعا نمودی؟
گفتم تو کیستی؟
گفت: من همانم که بر سر قبر من دعا نمودی، الله به سبب دعای تو مرا بخشید.
وعن عثمان قال :کان النبی صلی الله علیه وسلم اذا فرغ من دفن المیت وقف علیه ، فقال: استغفروا لأخیکم ، ثم سلوا له بالتثبیت ، فإنه الآن یسأل.(رواه أبوداود).
یعنی: بود رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتیکه از دفن میت فارغ میشد بالای قبر می ایستاد ومیفرمود:«برای برادر تان طلب بخشش بخواهید واز الله برای آن ثابت قدمی بخواهید زیرا وی حالا سؤال میشود».

شیخ ابن عثیمین می گوید: برترین چیزی که زنده ها برای مردگان می توانند انجام دهند ، دعاست .[فتاوی نور علی الدرب ۲۱۶].



برای اقارب متوفی چه بگوییم؟:

ما درنصوص چیز دیگری داریم ودر افغانستان چیز دیگر! درافغانستان برای اقارب متوفی قرآن میخوانند درحالیکه چنین چیزی از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نیست ، تنها چیزی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده قرار ذیل میباشد:

اسامه بن زيد رضي الله عنهما مي گويد :که یکی از پسران رسول الله صلی الله عليه وسلم در سكرات موت، بسر مي برد. وي (دخترپيامبر)قاصدي نزد رسول الله صلی الله عليه وسلم فرستاد واز او خواست تا بيايد. رسول الله صلی الله عليه وسلم به قاصد گفت :سلام مرا به دخترم برسان و به او بگو: از آنِ خداست آنچه بدهد و بگيرد. همه نزد او، مدتي تعيين شده دارند صبر كن و اميد ثواب داشته باش....تا اخير حديث.«عن أسامة بن زيد قال *كنا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأرسلت إليه إحدى بناته تدعوه وتخبره أن صبيا لها أو ابنا لها في الموت فقال للرسول ارجع إليها فأخبرها أن لله ما أخذ وله ما أعطى وكل شيء عنده بأجل مسمى فمرها فلتصبر ولتحتسب فعاد الرسول فقال إنها قد أقسمت لتأتينها قال فقام النبي صلى الله عليه وسلم وقام معه سعد بن عبادة ومعاذ بن جبل وانطلقت معهم

فرفع إليه الصبي ونفسه تقعقع كأنها في شنة ففاضت عيناه فقال له سعد ما هذا يا رسول الله قال هذه رحمة جعلها الله في قلوب عباده وإنما يرحم الله من عباده الرحماء» (رواه مسلم).

پس ثابت شد كه براى كسانيكه اقارب شان وفات ميكند بگوييم:« **إن لله ما أخذ وله ما أعطى وكل شيء عنده بأجل مسمى، فلتصبر ولتحتسب** ».

ونيز در حديث ديگر آمده است كه گفته شود:«**أعظم الله أجرك ، وأحسن عزاءك وغفر لميتك**»(رياض الصالحين).

پس از پيامبر گرامى مان همين قدر ثابت است وليكن از هيچ يكى از سلف صالح ثابت نيست كه غير از اين چيزى ديگرى انجام داده باشند.



حكم نماز جنازه با كفش (بوت):

نماز خواندن با كفش مشروع و جايز است و همان گونه كه انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روايت كرده است: (رسول الله صَلَّى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با كفش نماز خوانده است) بخاري (٣٨٦، ٥٨٥٠) و مسلم (٥٥٥).

شداد بن انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روايت كرده كه رسول الله صَلَّى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «خَالِفُوا الْيَهُودَ فَإِنَّهُمْ لا يُصَلُّونَ فِيْ نِعَالِهِمْ وَلا خِفَافِهِمْ» ابوداود (٦٥٢)، بزار (٣٤٨٠)، ابن حبان (٢١٨٦)، حاكم (١/٢٦٠) (٩٥٦)، حاكم اين حديث را صحيح قرارداده و ذهبي در اين زمينه با وي موافق است.

«با یهود مخالفت کنید چون آن‌ها با کفش و موزه‌هایشان نماز نمي‌خوانند».

اما سجاده مانع نماز خواندن با کفش نيست، ليکن آنچه مهم است و خيلي از مردم از آن غفلت مي‌کنند نگاه کردن کفش قبل از دخول به مسجد است، و اين برخلاف فرموده‌ي پيامبر اکرم صَلَّى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است.

ايشان صَلَّى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مي‌فرمايد: «إذا جَاءَ أحَدُكُمْ إلَي الْمسْجِدِ فَلْيَنْظُرْ؛ فَإِنْ رَأي فِيْ نَعْلَيْهِ قَذَراً أوْ أذيً فَلْيَمْسَحْهُ وَلْيُصَلِّ فِيْهِمَا» مسند احمد (۳/۲۰، ۹۲)، ابوداود (٦٥٠)، دارمي (۱۳۷۸)، ابويعلي (۱۱۹٤)، ابن ابي‌شيبه (۷۸۹۰)، و حاکم (۱/۲٦۰) (۹۵۵). حاکم حديث مذکور را تصحيح نموده و ذهبي با وي موافق است.

هرگاه يکي از شما به مسجدي مي‌آيد بايد نگاه بکند؛ اگر در کفش‌هايش نجاستي ببيند بايد آن را پاك کند و سپس با آن‌ها نماز بخواند. بر سجاده ضرري نخواهد داشت.



حکم بلند کردن دست ها درهمه تکبیرات جنازه:

بلندکردن دست ها درهمه ای تکبیرات جنازه امری است مشروع واگر کسی درتمام تکبیرات دست های خود را بلند نکند ، نیز درست است وهردو امری است فراخ درشریعت.

امام بخاری رحمه الله در کتاب زرین خویش«کتاب رفع الیدین» چندین اثر را آورده است –مشت نمونه خروار–

حدثنا علي بن عبدالله حدثنا عبدالله بن إدريس قال: سمعت عبيدالله عن نافع عن ابن عمر أنه يرفع يديه في كل تكبيرة على الجنازة(١٨٤).

یعنی: نافع می گوید: که ابن عمر در تمامی تکبیرات جنازه دستان خود را بلند مینمود.

عن غيلان بن أنس قال: رأيت عمر بن عبدالعزيز يرفع مع كل تكبيرة على الجنازة.

یعنی: عمربن العزیز را دیدم که بلند مینمود دستان خویش را در هرتکبیر جنازه.

حدثنا أبو الغصن قال: رأيت نافع بن جبير يرفع يديه مع كل تكبيرة على الجنازة.

یعنی: نافع را دیدم که بلند مینمود دستان خویش را در هرتکبیر جنازه.

عن الزهري أنه كان يرفع مع كل تكبيرة على الجنازة.

یعنی: زهری بود که که بلند مینمود دستان خویش را در هرتکبیر جنازه.



حکم خواندن نماز جنازه غائبانه:

خواندن نماز جنازه غائبانه سنت ترک شده است ورسول الله صلی الله علیه وسلم آنرا ادا نموده است یکی بالای زنی که مسجد را پاک میکرد زمانیکه وفات نمود پیامبر از جنازه او خبر نشد بعدا جنازه اورا خواند.

درحدیث صحیح البخاری وصحیح مسلم آمده است که:«أن رسول الله صلی الله علیه وسلم نعی النجاشی فی الیوم الذی مات فیه فخرج إلی المصلی فصف بهم و کبر أربعا».

روزی که نجاشی فوت کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر مرگ او را به مردم اعلام کرد و به طرف مصلی خارج شد و مردم را صف کرد و چهار تکبیر گفت.



حکم نماز جنازه مبتدع ودشمنان صحابه:

الله تعالی فرموده است: [مَا کَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (١١٣)] [توبه: ١١٣]

«برای پیامبر و مؤمنان شایسته نیست که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هر چند که خویشاوند باشند، هنگامی که برای آنان روشن شود که (با شرک از دنیا رفته اند، و) آنها از اهل دوزخ هستند».

ظاهر آیه‌ی مذکور از طلب آمرزش برای مشرکین هر چند که خویشاوند هم باشند منع می کند. پدران و خویشاوندان بسیاری از ما اعراب بادیه‌نشین به ذبح حیوان در نزد قبور گرفتار هستند و به آنها متوسل شده و برای آنها نذر می کنند و از آنها واسطه‌گری نموده و رهایی از مشکلات و شفای بیماران را از آنها می‌خواهند.

اینها بر همین حالت یعنی با شرک از دنیا رفتند؛ در حالی که کسی آنها را متوجه نکرد که انجام نذور و دعا- چون عبادت هستند- جز برای الله، برای هیچ کس دیگری جایز نیست.

پس آیا در نماز جنازه‌ی افراد قبر پرست و نماز خواندن بر آنان و طلب آمرزش و قضای حج آنها و صدقه‌دادن به این‌گونه اشخاص جایز است؟

کسی که به حالت مذکور از دنیا برود، نماز خواندن بر او و شرکت در تشییع جنازه‌اش جایز نیست. همچنین جایز نیست که برایش دعاو طلب آمرزش نمود و یا حج فوت شده‌اش را قضا کرد و یا به او صدقه داد، چون اعمالی که در زندگی انجام داده اعمالی شرک آمیز بوده است، این درحالی است که الله سبحانه و تعالی فرموده است:[مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَى] [توبه: ۱۱۳]

«شایسته‌ی پیامبر و مؤمنان نیست که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هر چند که خویشاوند باشند».

از رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ نیز ثابت است که ایشان فرمودند: «أَسْتَأْذَنتُ رَبِّى فِى الإسْتِغْفَارِ لِأُمِّىْ فَلَمْ يَأْذَنْ وَ اسْتَأْذَنْتُهُ فِىْ زِيَارَةِ قَبْرِهَا فَأَذِنَ لِىْ» مسلم (۹۷٦).

«درمورد طلب آمرزش برای مادرم از الله تعالی اجازه خواستم، به من اجازه‌ی این‌کار را نداد و از الله تعالی درباره‌ی رفتن به زیارت قبر مادرم اجازه خواستم به من اجازه داد».

نمی‌توان از طرف آنها عذر پیش کرد و گفت که هیچ‌کس نزد آنان نرفته است و برای آنها آشکار ننموده که امور مذکور شرک است، زیرا دلایل قرآن واضح و روشن است و امروزه علما در هر کجا حضور دارند و آنها می‌توانستند مسئله‌ی شرک را که در آن گرفتار بودند از علما سؤال کنند، ولی آنها از حق روی برتافتند و بر شرک راضی و خرسند بودند.



حکم اشتراک درجنازه ای کافر:

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«حیثما مررت بقبر کافر فبشره بالنار»(رواه الطبرانی).

یعنی: وقتیکه از قبرکافر میگذشتید! پس آنرا به جهنم بشارت دهید.

هرگاه گروهی از کافران مشغول دفن اموات خود باشند، مسلمانان حق ندارند در این کار با آنان مشارکت و همکاری نمایند، زیرا چنین عملی از پیامبر و خلفای راشدین ثابت نشده است؛ الله تعالی پیامبرش را از حضور بر قبر عبدالله‌بن‌ابی‌بن‌سلول منع نموده و علت آن را کفر این شخص بیان کرد.

الله تعالى فرمود: [وَلا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (٨٤)] [توبه: ٨٤]

«هرگاه یکی از آنان مُرد هرگز بر او نماز مخوان و بر سر گورش (بخاطر دعا و طلب آمرزش) حاضر مشو، چراکه آنان به الله و پیامبرش اعتقاد نداشتند و در حالی مرده‌اند که از دین الله و فرمان او خارج بوده‌اند».

اما اگر یکی از کفار مُرد و هیچ کافری موجود نبود که هم‌کیش خود را به خاک بسپارد، در این صورت اشکالی ندارد که مسلمانان او را دفن کنند، کما این که پیامبر کشتگان بدر را دفن نمود و هنگامی که ابوطالب وفات یافت به علی رضی الله عنه فرمان داد:

«اذهب فَوَارِهِ»«برو، او را (زیر خاک) مدفون کن». نسایی (۱۹۰، ۲۰۰۸).



حکم دفن مردگان در مساجد:

شیخ ابن عثیمین در فتاوای عقیده. صفحه (۲۶، ۲۷) مینویسد: رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ از دفن کردن مردگان در مسجد و مسجد قرار دادن قبور منع کرد؛ ایشان در حالی که در شُرف وفات بود، امتش را از مسجد قرار دادن قبور بر حذر داشت و یادآور شد که عمل مذکور از کارهای یهود و نصاری است. وسیله ای است برای مشرک شدن انسان، چون درست کردن مسجد بر قبور و دفن

مردگان در آنجا وسیله‌ی می شود برای شرک به الله، زیرا مردم اعتقاد پیدا می کنند که کسانی که در این قبور دفن هستند می‌توانند به انسان نفع و یا ضرر برسانند.

بنابراین بر مسلمانان واجب است که از این پدیده‌ی خطرناک پرهیز کنند و مساجد باید از قبر خالی باشند و بر پایه‌ی توحید و عقیده‌ی سالم تأسیس شوند.

الله تعالی فرموده است: [وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (١٨)] [جن: ١٨]

«مساجد مختص برای عبادت الله است، پس در آنجا هیچ کسی را با الله پرستش نکنید».

پس واجب است از تمام مظاهر شرک خالی باشند، بگونه‌ای که در آنجا تنها الله تعالی پرستش بشود، و همین است وظیفه‌ی مسلمانان.



حکم دفن میت درشب:

عن جابر بن عبد الله يحدث * أن النبي صلى الله عليه وسلم خطب يوما فذكر رجلا من أصحابه قبض فكفن في كفن غير طائل وقبر ليلا فزجر النبي صلى الله عليه وسلم أن يقبر الرجل بالليل حتى يصلى عليه إلا أن يضطر إنسان إلى ذلك(رواه مسلم).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از روزها خطبه داد ویاد آور شد شخصی از اصحاب را که وفات نمود وکفن کرده شد (به کفن غیر تکمیل) ودفن

کرده شد در شب! رسول الله صلی الله علیه وسلم توبیخ وسرزنش نمود کسی را که دفن کرده شود درشب مگر اینکه درحالت ضرورت پیش شود.



حکم دفن میت همراه باتابوت:

گذاشتن جنازه مسلمان داخل تابوت و دفن او به همراه آن در درون قبر جایز نیست، زیرا سنت مسلمانان از زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم تاکنون بر آن بوده که جنازه را پس از غسل، و تکفین وی در سه پارچه سفید، در درون قبری – بصورت لحد یا شق –دفن می کردند بدون آنکه جنازه را داخل محفظه ای شبیه تابوت کنند، و این از رسوم و سنت کفار است که جنازه را داخل تابوت می گذارند، و برای مسلمانان جایز نیست که از رسوم کفار پیروی کنند.

علمای امت گفته اند:«گذاشتن جنازه داخل تابوت در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم و عهد صحابه رضی الله عنهم و در عهد خیروالقرون که بر منهج صحابه بودند رسم نبوده است، و بنابراین گذاشتن میت داخل تابوت مکروه است، حال چه زمین (قبر) سخت و سفت باشد یا نرم و سست یا تر و مرطوب باشد، و اگر متوفی وصیت کرده باشد که وی را داخل تابوت بگذارند نباید وصیتش تنفید گردد.

اما برخی گفته اند: اگر زمین قبر نرم وسست یا مرطوب باشد جایز است در تابوت دفن شود، ولی اگر زمین سفت و سخت باشد وصیت متوفی تنفید نمی

گردد مگر در حالت زمین نرم .فتاوى اللجنة الدائمة .(۲/۳۱۲) "(اما برين ادعای خویش دلیلی ندارند)

درکتاب دائرة المعارف فقهی آمده : دفن میت در تابوت به اجماع (مذاهب) مکروه است، زیرا اینکار بدعت است، و اگر کسی به آن وصیت کند تنفیذ نمی شود، و اما اگر مصلحتی در آن باشد مکروه نیست، مثلا میت سوخته (و بر اثر آن متلاشی شده) باشد و نیاز باشد که جسدش در تابوت گذاشته شود.

اگر طفل ازشکم مادر خواه(خلقت آن) تکمیل شده باشد یانه! با روح یا بدون روح یا آواز کشیده باشد یانه! بالای او نماز جنازه است:

اگر طفل ازشکم مادر خواه(خلقت آن) تکمیل شده باشد یانه! با روح یا بدون روح یا آواز کشیده باشد یانه! بالای او نماز جنازه است:

از مغیره بن شعبه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:«والسقط يصلى عليه» (طفل یکه سقط میشود بالای آن نماز جنازه است)[أبوداود واحمد ومشكاة].

تعریف سقط: ابن منظور وابن کثیر گفته اند:سقط آنست که طفل قبل از تکمیل شدن خلقت از شکم زن خارج گردد[لسان العرب(٦/٢٩٣). وقاموس نیز چنین معنی نموده است.

امام ترمذی گفته: اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته اند: بالای طفل نماز خوانده میشود اگرچه خلقت آن تکمیل نگردیده باشد.

واما آن روایات یکه آمده که بالای طفل نماز خوانده نمیشود تاکه صدا نکشد وبعدا بمیرد.... ضعیف وموضوع اند ودر سند آنها شخصی به اسم«أبازبیر» میباشد وآن نزد محدثین جرح شده است[التخلیص١٤٥/٢].

پس هر طفل یکه از شکم زن خارج میگردد نماز جنازه است بدون قیل وقال وشرط وشروط.أمین الفتاوی(٤١٢/٢) .

حکم خودکشی دراسلام وحکم نماز جنازه او:

اکثریت اهل علم بر این نظر اند که شخصی که خود را به قتل می رساند گناهی را مرتکب شده که الله هرگز اورا نمیبخشد.

الله سبحانه وتعالی میفرماید:{و لا تقتلوا انفسکم}.یعنی:ونفس های تان را به قتل نرسانید.

پیامبر اسلام میفرماید: کسی که با هر چیزی خود را بکشد در قبرش بطور مستمر خودش را با آن چیز میکُشد تا روز قیامت.[جامع الاحادیث الصحیح].

اما نماز جنازه کسیکه خود را خود کشی میکند : بر او نماز جنازه خوانده می شود، لیکن رهبر عامه[مردم] نباید بر او نماز بخواند، چرا که رسول الله صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآله وَسَلَّمَ به خاطر بزرگ بودن این گناه و هشدار امت، بر این گونه افراد نماز نمی‌خواند .

چه کسی نماز جنازه را ادا کند؟!

وصیت کن تا موحدین جنازه ات را ادا کنند ونگذار تا مبتدع ومشرک در جنازه ات حاضر شوند..

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«مَا مِن رَجُلٍ مُسلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أربَعُونَ رَجُلَاً لَا يُشرِكُونَ بِاللهِ شَيئاً إلَا شَفَّعَهُمُ اللهُ فِيهِ».

رسول اللّٰه صلی الله علیه وسلم میفرماید:هر مسلمانی بمیرد و چهل نفر مسلمانی که به اللّٰه شرک نورزیده باشند، بر جنازه اش نماز بخوانند، اللّٰه (جل جلاله) شفاعت(دعا) آن ها را در حق او اجابت خواهد نمود.مسلم٢٢٢٤ .



حکم صدقه دادن در قبرستان پس از مرک میت:

صدقه دادن در قبرستان پس از مرگ میت چنین چیزی در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده است.

ابن قاسم در کتابش " حاشية الروض المربع " گفته: و صدقه دادن نیز مانند ذبح کردن نزد قبر بدعت هست، و علماء سلف آنرا انجام نداده اند و امری در این مورد وارد نشده است، و هر چیز جدیدی در دین بدعت هست و هر بدعتی گمراهیست، و همچنین ریاء در آن بکار برده میشود که حرام هست.

شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمه الله می گوید :"صدقه دادن به همراه جنازه بدعت ناپسندی هست، و مانند ذبح کردن نزد قبر هست، و هیچ عبادتی در مقابر

مشروع نیست، نه صدقه و نه چیزی دیگر، و من انکار میکنیم که غذا و یا نوشیدنی نزد قبر گذاشته شود تا مردم آنرا بردارند.[رد بر صد بدعت درجامعه].

بـــدعت دیگـــر: وهمچنان بعد از دفن میت بالای قبر آن گُل وسبزه را نهادن ، وتقسیم خرما وصابون بدعت بوده ودراسلام جایی ندارد.



پوشیدن لباس سیاه بخاطر میت:

شیخ ابن عثیمین می گوید: پوشیدن لباس سیاه در وقت مصیبت ها شعاریست باطل، که اصلِ – در دین – برای آن وجود ندارد.[فتاوی إسلامیة ۳/۳۱۳].



حکم حیله اسقاط :

درافغانستان زمانیکه نماز جنازه تمام میشود مردم مینشینند وقرآن را با پول درقدم نسخت چندین دور میدهند وبعدا پول آنرا بین مردم تقسیم میکنند ؛

بدون شک این امر بدعتی آشکار در دین است که لازمست مسلمانان از آن دوری نمایند زیرا چنین روشی در هنگام تشیع جنازه در بین مسلمانان صدر اسلام و وجود نداشته و جزو سنت نبوی صلی الله علیه وسلم نیست.

هر کس که ادعا دارد که این عمل در دین جایز است، باید برای ادعای خود دلیل از کتاب سنت بیاورد وگرنه ما به او می گوییم: چرا چیزی را که نه پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه خلفای راشدین و نه امامان اربعه (امام ابوحنیفه و مالک

و شافعی و احمد) هیچکدام انجام نداده اند، شما وارد دین کرده اید؟! قطعا اگر این عمل جایز می بود، آن بزرگواران از ما در انجام آن پیشقدم می شدند.
پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند:
«إيّاكُم وَ مُحدَثاتِ الأُمورِ؛ فإنَّ كُلَّ مُحدَثَةٍ بِدعَةٌ، و كُلَّ بِدعَةٍ ضَلالَة»: (از امور نوپیدا در دین بپرهیزید که هر نوپیدایی بدعت است و هر بدعتی گمراهی است).
ابوداود(٤٦٠٧)
و نیز می فرماید:
«من عملَ عملاً ليس عليه أمرنا فهو ردّ».(مسلم)
«هرکس کاری کند که مطابق دین و سنت ما نباشد ،مردود است ».
اگر ادعا کردند که عمل ما، عملی نیکو و پسندیده است، ما به ا می گوییم:
اگر عمل تو نیکو هم باشد، باز اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب آنرا انجام نداده باشند، باز بدعت و حرام است، مگر نشنیده ای که شاگرد پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می فرماید:
عبدالله بن عمر رضی لله عنهما گفته است:«كل بدعة ضلالة وإن رآها الناس حسنة»
«هر بدعتی گمراهی است اگر چه مردم آنرا خوب ببینند».(دارمی آن را با سند صحیح روایت کرده است)

بنابراین می‌گوییم: تمام بدعت‌ها گمراهی است و هر گمراهی در آتش دوزخ است. پس باید از تمام بدعت‌ها حذر شود و این‌که انسان الله را عبادت نکند مگر به همان روشی که الله و رسول مشروع قرار داده است تا در برابرش حقیقت قرار گیرد چرا که هر کس راه بدعت را در پیش گیرد، مبتدع را برای خود به عنوان امامی غیر از رسول الله انتخاب کرده است.



چونه وگچ انداختن جهت مرتب سازی صفوف جنازه:

درجنازه ها جهت ترتیب صفوف ، صفوف را با چونه وگچ برابر می سازند ، من نمیدانم چنان ضعیف شدیم که صف های ما برابر نبوده وتوسط چونه وگچ برابرش میکنیم ؟؟ واین کار بدعت بوده ودر خیر القرون ثبوتی نداشته است ، واین بدعت از هند (دیوبند ، بعد پاکستان امد، بعد افغانستان).



بستره کشیدن برای مرده :

کسی که وفات کرد همراه پیکر جنازه اش بستره را هم میکشند وباز دو چشم ملای مسجد بربستره میباشد والله اعلم شاید نماز جنازه هم در تن اش نگیرد بخاطر گرفتن بستره ؛

نمیدانم چنین خرافات به مردم ما از زردشت مانده یا از هندو ها ؛حتی یهودی ها هم چنین رسم نداشتن.

بدعت های تعزیــه داری: تعزیه که برای اموات در مساجد برای گفتن تسلیت به بازماندگان میت برگزار میکنند ، خواندن قرآن در این مراسم مثلا"قران را به صورت جز یا حزب چاپ کرده اند که در این مراسم کسانیکه برای گفتن تسلیت آمده اند اگر قرآن خوان باشند هرکدام یک حزب یا یک جز (بستگی به چاپ ها دارد) میخوانند در اخر هم سوره یاسین را یکی از طریق میکروفون میخواند وبعد مردم همه میگویند الله اکبر الله اکبر لااله الا الله و والله اکبر الله اکبر ولله الحمد بعد از این شخصی صلوات میفرستد به این صورت یکصد هزار بار برمحمد صلوات بعد دوباره قاری شروع میکند هفت سوره اخر قران را قراءت کند وبعد از پایان هر سوره دوباره مردم همان تکبیر را تکرار میکنند و در این جا تعداد صلوات را به دویست هزار بار میکنند وتا اخر که صلوات را به ششصد هزار بار میرسانند وقتی که این سوره ها تمام شد قاری از اول قران سوره حمد را میخواند وبعد همه امین میگویند ودر اینجا نه تکبیر راتکرار میکنند ونه صلوات میفرستند و بعد چند ایه از سوره بقره را قراءت میکنند وبا دعا این قران را ختم میکنند و به روح اموات هدیه میکنند یعنی ثواب قران قرائت شده را به روح میت هدیه میکنند و در ضمن برای مراسم ختم قران که در ماه رمضان برگزار میشود نیز به همین ترتیب که گفتم عمل میکنند.؛

تمام این مراسم فوق بدعت هستند و از پیامبر صلی الله علیم و سلم و اصحابش چنین چیزی وارد نشده است، و این ملایی که به شما می گوید در فقه حنفی

آمده است تهمتی بیش نیست زیرا امام ابوحنیفه تابع قرآن و سنت بوده و از این بدعتها بیزار بوده، و اگر کسی ادعا کند که چنین مراسمی جائز هست از او حجت و دلیل از قرآن و سنت بطلبید که طبیعتا عاجز و درمانده میمانند زیرا چنین مراسمی در اسلام وارد نشده است، و پیامبر صلی الله علیم و سلم برای عزاداری دور هم در مسجد جمع نمیشده اند، و به روح آنها فاتحه و غیره نمیخوانده اند و اگر جائز بود و یا این مسئله خیر بود حتما پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا از امتش پنهان نمیداشت و آنها را به این مسئله تشویق میکرد، و تعزیه باید هر جایی که شخص عزادار را دیدید به او تسلیت بگویید چه پس از دفن میت باشد و چه در خانه و یا بازار، ولی جمع شدن در مسجد و قرآن خوانی برای میت بدعت هست و جائز نیست.



حکم فاتحه خوانی برای میت:

امام ابن قیم رحمه الله میگوید : رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اقارب میت تعزیت میکرد واین سنت طریقه است ؛
وطریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم این نیست که برای اقارب میت جمع شوند وقرآن بخوانند وهمه ی این کار ها بدعت ومکروه است .(زاد المعاد جلد۱ صفحه ۵۷۲).

شیخ علی محفوظ میگوید : ونزد علماء بزرگ حنفی مکروه است نشستن درمسجد برای مصیبت سه روز یا کمتر از سه روز (الابداع صفحه ۲۲۷).

امام نووی میگوید : امام شافعی ویاران اش گفته اند که مکروه است نشستن به تعزیت(کشف الباحث).

ما مسلمانان در تمامی امورات دینی خود تابع پیامبر صلی الله علیه وسلم هستیم، بنابراین در مورد مراسم تعزیه برای میت نیز بایستی تابع رسول الله صلی الله علیه وسلم بود، از طرفی هرگز پیامبر صلی الله علیه وسلم برای وفات یکی از مسلمانان یا اصحابش مراسم تعزیه در مسجد یا خانه نگرفته اند و فاتحه نخوانده اند، همچنین خلفای راشدین و ائمه ی اربعه (امام ابوحنیفه رحمه الله و امام مالک و شافعی و احمد رحمهم الله) هیچکدام برای مردگان مراسم تعزیه در مسجد یا خانه را جایز ندانسته اند. پس این مراسمات که متاسفانه اکنون در جامعه ی

مسلمانان انجام می پذیرد، جزو بدعتهایی هستند که بیشتر از رسوم و فرهنگ شیعیان و اهل کتاب هستند که به مرور وارد رسومات مسلمانان شده اند .

نکته ی مهم: هیچ عملی عبادی در نزد الله تعالی مقبول نیست مگر اینکه حتما هر دو شرط زیر را با هم داشته باشد :

۱- عملی که انجام می دهد، باید بگونه ای باشد که بر طبق تعریف شرع باشد و کیفیت آنرا شارع تعیین نموده باشد. (یعنی نمی توان خود و از روی هوی و هوس و یا چیزهایی که نزد خودمان نیک و پسندیده هستند، عمل را انجام دهیم).

۲- باید آن عمل را فقط برای رضای الله تعالی و برای او انجام دهد. (یعنی نباید در عمل خود مرتکب ریا یا شرک گردد.)

دلیل این نکته ی مهم هم اینست: پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «فعلیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدین المهديين،تمسكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ،وایاکم و محدثات الامور فان کل محدثة بدعه،وکل بدعة ضلالة».(ابو داوود -امام احمد-ترمذی- ابن ماجه- صحیح)

یعنی:پس بر شما باد به پیروی از طریقهء من، و طریقهء خلفای راشدین که آنها هدایت کنندگان اند، بر آن با دندانهای کرسی خویش گزیده و آنرا محکم گیرید، و بر شما باد که از امور بدعت دوری کنید، زیرا هر امر نوپیدایی گمراهی در پی دارد .

عبدالله بن عمر رضی لله عنهما گفته است:«کل بدعة ضلالة وإن رآها الناس حسنة»

(هر بدعتی گمراهی است اگر چه مردم آنرا خوب ببینند».(دارمی آن را با سند صحیح روایت کرده است)

از این دو حدیث در می یابیم که هر عملی را باید بدون کم و کاست و اضافه، همانگونه که بر وفق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین است انجام دهیم، و اگر خودمان آنرا تغییر دهیم هرچند که به ظاهر امر پسندیده و نیکویی باشد، باز آن عمل باطل خواهد بود و هیچگونه اجری نخواهد داشت .

همچنین الله تعالی می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ»(بینه ۵)

یعنی: و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه الله را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند .

پس هر عبادتی باید خالی از ریا و شرک باشد وگرنه باطل می شود .

حال با توجه به نکات مهم فوق، باید بنگریم که آیا مراسمات تعزیه و فاتحه خوانی و مراسم چهلم و سالگرد را شرع اجازه داده است، یعنی شرط اول برقرار است؟ اگر به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین و اصحاب و یاران بزرگوار ایشان نگاه کنیم، می بینیم که آنها هرگز چنین مراسماتی را نداشته اند و قطعا و بدون شک اگر در اینگونه مراسمات خیر و ثوابی بود، آنها از ما جلو می

افتادند و آنرا برگزار می کردند، ولی یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر نبودند که چیزی را بر خلاف سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام دهند، پس ما نیز بمانند اصحاب ایشان مقید به پیروی از سنت پیامبرمان صلی الله علیه وسلم مراسم تعزیه و فاتحه خوانی را در خانه یا منزل انجام نمی دهیم .

فقط کافیست تا همسایگان و برادران و خواهران متوفی، برای خانواده ی او (میت) غذا درست کنند زیرا خانواده ی میت به سبب غم و اندوه فرصت نمی کنند غذا درست کنند، و اقارب و خویشاوندان نیز هرگاه خانواده ی میت را دیدند (در خیابان یا بازار یا از طریق تلفنی) به آنها تسلیت می گویند و نیازی نیست تا در مکانی مانند خانه یا مسجد گردهم آیند و تا سه روز فقط فاتحه بخوانند و لباس سیاه بپوشند، و مراسم چهلم برگزار کنند، براستی که این اعمال از سنت پیامبرمان صلی الله علیه وسلم نیست بلکه بدعت است و بدعت حرام است .



حکم رفتن زنان در فاتحه خوانی ها:

زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم اشتراک زنان را درنماز جنازه منع نماید ، پس چطور اجازه میدهد که در تعذیت اشتراک کنند؟! آنهم فاتحه خوانی های امروزی که زنان بخاطر هم چشمی وعیب جوئی میروند.

علماء امت رفتن زنان را بر فاتحه خوانی ها منع نموده اند.

خواندن سوره "یس" یاچهل یاسین بالای میت:

سعید بن المسیب رحمه الله میگوید : خواندن سوره یاسین وقرار دادن روی میت بطرف قبله بدعت ومکروه است (کشف الباحث صفحه ۲۳۰).



خواندن قرآن کریم بالای میت در وقت غسل دادن:

در بعضی مناطق جهل زده وقتیکه کسی وفات کند مردم در گرد وبر آن جمع میشوند وقرآن را تلاوت میکنند تا که غسل دادن آن تمام شود ؛

» **این عمل از رسول الله** صلی الله علیه وسلم ثابت نیست که بالای اولاد هایش ویا اقارب اش چنین چیزی کرده باشد ؛ **همچنان از اصحابش** وتابعین نیز چنین چیزی ثایت نیست .



ختم قرآن کریم بالای میت:

از جالب های وطن ما: وقتیکه کسی بمیرد قاری صاحبان را جمع میکنند ودر دست هریک پاره های قرآنکریم را میدهند وسپس قرائت شروع میشود ودر این خانه صدای گریه وصدای تلاوت قرآن باهم مختلط میشوند.

» **امام ابی العز حنفی** میگوید : واما اجرت گرفتن قاریان به خواندن قرآن وبخشیدن ثواب آن برای میت؛ عملی است که از هیچ یکی از سلف صالح ثابت نیست ونه امری است که ائمه دین آنرا انجام داده باشند .



جمع شدن مردم درخانه میت وسپس نان خوردن درخانه میت :

سنت طریقه اینست که مردم درخانه میت جمع نشوند ؛ وهمچنان برای اهل میت واقارب میت **خود مردم محله طعام جور کنند** مثل یکه رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت برای خانواده جعفر طعام جور کنید[جامع الاحادیث الصحیح] .

وحرام وبدعت است خوردن نان اهل میت زیرا آنها مظلوم ویتیم هستند پس چطور برای خود جرئت میدهند که نان یتیم را بخورند ؟؟

صاحب کتاب طریقه محمدیه گفته است که : نان خورد در خانه مرده دار بدعت میباشد .

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله میگوید: وهرچه جور کردن طعام درخانه میت برای مردم غیرمشروع است ، بلکه سنت طریقه اینست که برای اهل میت طعام جور کرده شود .

ابن الهمام حنفی میگوید : مکروه است مهمانی جور کردن اهل میت برای مردم.(فتح القدیر جلد۲ صفحه ۱٤۲).

همراه با پیکر میت ذکر نمودن وقرآن خواندن :

چنین چیزی در قرآن وحدیث وحتی درکتب فقه حنفی نیامده است .

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:ان الله یحب الصمت عند الثلاث : عند تلاوة القرآن ، وعند الزحف ،وعند الجنازة . تفسیر ابن کثیر ج۲صفحه ۲۱۹.

یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که الله سکوت را در سه جای دوست دارد ۱- وقت تلاوت قرآن کریم ۲- دروقت جنگ ۳- ودر جنازه.

این مورد آمده است ضعیف میباشد .



روی کفن میت نامه نوشتن یا قرآن:

روی کفن میت ویا روی تکه ای که بر میت می اندازند نوشتن قرآن یا تکه ای که در آن آیات قرآن نوشته شده باشد حرام است وبی عزتی بر قرآن است.



تعین نمودن روز ها برای رسانیدن ثواب (به مرده) :

برای میت دعاء کردن واموزش خواستن صدقه وخیرات کردن بدون تعین روز صحیح است وسنت است اما تعین نمودن آن بدعت است ودر شریعت چیزی در مورد آن اشاره نشده است.



خیرات کردن برای مرده بنام سه ، چهلی ، جمعه گی ، سالانه:

این بدعت قبیحه را همه ی اهل علم خصوصا علماء احناف بدعت گفته اند .

علامه طاهر حنفی میگوید : جائز نیست پختن نان در روز سه مرده (خلاصة الفتاوی جلد۲ صفحه ۳٤۲)

قاضی خان حنفی میگوید : مکروه است گرفتن ضیافت در ایام مصیبت ، زیرا که اینها روز های تأسف اند لایق نیست در این روز ها برای مردم مهمانی داده شود ونان کرده شود .

همچنان ابن الهمام وقسطلانی و عالمگیری و شامی وملاعلی قاری ودیگر علماء نیز بدعت گفته اند.



گفتن کلمه مرحوم ومغفور برای میت:

هر گاه مسلمانی بمیرد، شایسته است کلماتی مانند: (غفر الله له؛ الله وی را بیامرزد) یا (رحمه الله؛ الله جل جلاله به وی رحم کند) را بکار برند؛ اما کلمات مغفور یا مرحوم صحیح نیست چون گواهی دادن به بهشتی بودن یا جهنمی بودن فرد، جایز نیست به جز کسانی که در قرآن و یا در روایات صحیح به بهشتی بودن و یا جهنمی بودن آنها تصریح شده است.

علمای اهل سنت نوشته‌اند که مي‌توانيم به جهنمی بودن افرادی مانند: ابو لهب و همسرش که در قرآن به آن تصریح شده است گواهی دهيم. به بهشتي بودن افرادی مانند: ابو بكر، عمر، عثمان، علی، و سایر عشره مبشره رضی الله عنهم و كساني مانند عبدالله بن سلام و عكاشه بن محصن كه پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم آنان را به بهشت بشارت داده است، گواهی دهيم .

به گواهي پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم براي افرادی مانند: عمويش ابو طالب و عمرو بن لحی خزاعی و... كه جهنمی هستند، گواهی مي دهيم. اما برای كسانی كه الله و رسولش گواهی به جهنم و بهشت نداده‌اند ما هم گواهی نمی‌دهيم و نيز به مغفرت و رحمت براي فرد معيني گواهی نمی‌دهيم؛ مگر با نصی از قرآن و سنت، البته اهل‌سنت براي نيكو كاران اميد خير دارند و از فرجام گناهكاران بيم دارند و بطور عام به بهشتی بودن مؤمنان و به دوزخی بودن كفار، گواهی مي‌دهند؛ همان‌طور كه الله تعالی وعده داده است.

الله تعالی می‌فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا}

الله تعالی به مردان و زنان با ايمان، باغ‌هايی از بهشت وعده داده که نهرها از زير درختان آن جاری است و جاودانه در آن خواهند ماند.توبه/۷۲.

و در جای ديگر می‌فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ}

به مردان و زنان منافق و کفار وعده‌ی آتش دوزخ داده است، جاودانه در آن خواهند ماند همان برای آن‌ها کافی است .



وقتیکه درخانه ی کسی وفات میکند باز زنان برای زنـــان دیگر سوزن ، تار ، چادر و... میدهند ! :

به الله قسم این نوع خرافات را جز در گرنگ هندوی درحاشیه پنج سوره هم پیدا کرده نمیتوانیم .

این هم نیز از خرافات است برای زنان گفته شود از خرافات دست بکشند .

نکته جالب وبیان عجائب در خانه مرده دار:

اینکه به تعداد صد کتب مطالعه شده و تحقیق صورت گرفته اما متاسفانه رواج های امروزیکه ما آنرا انجام میدهیم موجود نبوده وطوری به آن پابندی نشان میدهیم و اورا از دین حساب میکنیم اگر در گوشه از دین موجود می بود پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه و تابعین آن را به مابیان میکردند زیراکه موت یک چیز حقیقت است هم برای پیغمبران وهم برای صحابه کرام وهمه امت پس افسوس به حال کسانیکه خود را از پیغمبر و صحابه و تابعین وغیره... عالمتر و فقهی تر و متقی تر می شماریم زیرا کاری که آنها نکرده اند ما میکنیم طور مثال:-

- هفت دانه جای نماز همرای میت .

- هفت دانه قران کریم همرای میت .
- حلوا حول و یاخرما عوض آن .
- نمک .
- سوزن .
- تار .
- انگشتانه .
- طشت خورد .
- چادر .
- بوت لنگی .
- گل سرشوی .
- صابون .
- شیشه .
- عطر های مختلف.
- مقداریکه برسر قبر .

و غیره رواج های درهر منطقه فرق می کند زیرا که بدعات تغیر می خورد و سنت قابل تغیر نیست (شیخ عبدالسلام می گوید: یکی از علائم بدعت اینست که در هر منطقه به اشکال مختلف وجود دارد مثلا در یک منطقه در حیله اسقاط

صابون تقسیم میکنند ودر منطقه دیگر خرما . حالا اگر این سنت میبود پس یک طریقه میبود).



گریه وا ویلان کردن برای مرده:

تنها ریختن آب از چشم کدام باکی ندارد ورسول الله صلی الله علیه وسلم در وفات پسرش آب از چشمانش ریخت.

اما وا ویلان کردن کردن وزدن در روی ، وتوصیه کردن برای گریه نمودن همگی حرام است.

در حقیقت مرگ و زندگی همه، در دست الله تعالی میباشد، کسی که مُرد مدت عمرش به پایان رسیده و خوب و بد او در نامه ی عمل اوست. شمردن خوبی های او و نوحه خوانی بر او هیچ فایده ای ندارد و از جهتی اعتراض است به پروردگار که چرا اورا مرگ داد و این خود نوعی کفر است« رسول الله میفرماید ان المیت یعذب فی قبره بما نیح علیه».

قطعا میت در قبرش به سبب نوحه خوانی بر او عذاب داده میشود(صحیح مسلم)

حدیث فوق دلالت بر این دارد ک هرکسی در طول دوران زندگی اش باید خانواده و اطرافیان خود را نسبت ب این مسئله آگاه کند که بعد از مرگش بر سرش نوحه خوانی نکنند و اگر در رساندن این موضوع به خانواده و اطرافیانش کوتاهی کند در صورت نوحه خواندن بر او قطعا عذاب داده میشود .

رسول الله میفرماید« النائحه اذا لم تتب البست درعا من جرب، وسربالا من قطران یوم القیامه» زن نوحه خوان اگر توبه نکرد، در روز قیامت لباسی زبر و درشت و شلواری از قطران(مواد آتش زا) خواهد پوشید تا از خوارش و سوختن آن دو عذاب بکشد.(صحیح مسلم ٩٣٤).

و همچنین میفرماید:لیس منا من ضرب الخدود و شق الجیوب و دعا بدعوی الجاهلیه(صحیح البخاری).

کسی که به صورت خود بزند و گریبان و یقه ی خود را پاره کند و به کار جاهلیت فرا خواند از ما نیست.

همانطور که ملاحظه فرمودید به نوحه خوانی وعده ی عذابی سخت داده شده پس از گناهان کبیره میباشد و شخص به وسیله ی آن وارد جهنم میشود.

ومن الله التوفیق|ختم کتاب باذن الله شب پنج شنبه۱۳۹۸

کتب تألیف وترجمه شده توسط «أبوشاکرمسلم»

- فتاوای اهل حدیث«مکمل»
- پرسش از شما پاسخ از رسول الله ﷺ.
- رد برصدبدعت درجامعه.
- زندگی نامه دکتر ذاکر نایک حفظه الله.
- فتاوای علامه ابن عثیمین[به زبان فارسی]
- الله ﷻ درکجاست؟.
- فتاوی شیخ عبدالعزیز ابن باز
- چگونگی استفاده از موبایل واینترنت.
- زندگی نامه امام ابن تیمیه وخدمات او به اسلام.
- احکام وآداب عاشورا.
- (۵۰) احادیث باطل.
- اهل الحدیث هم اهل النبی ﷺ.
- احادیث باطل مشکوة المصابیح.
- امور خلاف شریعت.
- دخانیات واضرار آن در اسلام .
- توسل مشروع ونامشروع.
- حکم نیکتایی دراسلام(اضرارصحی نیکتایی).
- حقوق زن در اسلام.
- حقیقت مولانای روم(مثنوی معنوی).
- دفاع از شهید«امام سیدقطب».
- احکام ومسائل اعتکاف.
- دفاع از ابوهریره.
- احکام ومسائل عیدین.
- سیرة النبی ﷺ برای جوانان.
- شکست تصوف
- حکم مسح برگردن.
- حکم مسح بر جراب.
- نماز رسول الله ﷺ.
- تخریج احادیث ضعیف وموضوعی ریاض الصالحین.
- اجماع علمای محمدی برکفر ابن عربی.
- زندگی نامه امام محمدبن عبدالوهاب
- زنان ومردان لعنتی(زنان ومردان یکه رسول الله ﷺ از آنها بیزاری خود را اعلان نموده است).
- زندگی نامه و ، واقعات حیرت انگیز امام احمد
- حکم تجلیل از میلاد النبی ﷺ.
- حکم خروج باجماعت تبلیغ.
- وجوب گذاشتن ریش در اسلام.
- تفاوت ما با سلف صالح.
- ترجمه فارسی شروط الصلاة.
- سنگسارحکمی از احکام اللهﷻ.
- زندگی نامه شیخ احمد دیدات.
- شرح افغانی ، بر اربعین نووی[دوجلد]
- شرح فارسی عمدة الاحکام.
- معرفی تفاسیر اسرائیلی وکتب ضعیف.
- شناخت فرقه های گمراه.
- حکم تعویذ دراسلام.
- زندگی نامه ابوذر غفاری رضی الله عنه.
- «۵۰۰»اقوال سلف الصالح.
- دفاع از ام المؤمنین عائشة رضی الله عنها.
- قصه های شیرین محمدی ﷺ وسلف صالح.
- امام مهدی حقیقی وخیالی.
- «۳۳» سبب برای خشوع درنماز.
- ترجمه فارسی«رسائل فی الطهارة والصلاة النبی ﷺ»(نمازتصویری).
- تجلیل از روز نوروز در آئینه قرآن وحدیث.
- اقوال اهل علم درکفر دشنام دهنده صحابه.
- جامع الاحادیث الصحیح (درمدرسه ی رسول الله ﷺ).
- واجب بودن یادگیری «زبان عربی»
- احکام ومسائل روزه ماه مبارک رمضان.
- زندگی نامه شیخ عبدالله عزام رحمه الله.
- قدس را چگونه از اسارت آزاد نماییم؟.
- امریکا قاتل بشریت.
- حالت سلف صالح در رمضان.
- سیرة فارسی یاران رسول الله ﷺ.
- احکام ومسائل«زکات فطر».
- زندگی نامه امام ابن قیم رحمه الله وخدمات او به اسلام.
- زندگی نامه زنان رسول الله ﷺ.
- دجال کیست و چگونه خارج می گردد؟
- احکام ومسائل عید قربان.
- دانستنی هایکه تاحالا نمیدانستید!.
- ۱۰۰سوال وجواب پیرامون زندگی محمد ﷺ.
- زندگی نامه شیخ ناصر الدین آلبانی رحمه الله.
- حکم حیله اسقاط.
- حکم موسیقی دراسلام.
- سیف المحمدی علی عنق الماتریدی.
- حکم تلویزیون در اسلام .
- احکام وفضائل مسواک.
- عوامل شکست مسلمانان.
- داستان های از زندگی عمر مختار.
- حرمت طویانه دراسلام.
- خودارضایی = اضرار وراه علاج از آن.
- کیفیت وچگونگی ادای نماز وتر در روشنائی احادیث صحیح
- احکام وآداب روز جمعه.
- چگونه طالب العلم شویم؟
- زندگی نامه مرد شکست ناپذیر خالد بن ولید.
- حکم تماشایی سریال های پیامبران وصحابه
- آمادگی کانکور برای مدارس صنوف۱۲-۱۴
- ۴۰ مرد خبیث درتاریخ!